

نتیجه مشابه یابی :

عنوان سند : رابطه الگوهای خانواده قبل و بعد از انقلاب با کرامت انسانی

نام و نام خانوادگی : Samim Nor

تاریخ درخواست مشابه یابی : ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

درصد کل مشابهت : ۹/۶۳ %

رابطه الگوهای خانواده قبل و بعد از انقلاب با کرامت انسانی

راضیه ابراهیمی پور^۱

چکیده

الگوهای خانواده به عنوان یکی از ارکان اساسی جوامع بشری، تأثیرات عمیقی بر کرامت انسانی دارند. این الگوها می توانند به طور مستقیم بر احساس احترام، ارزش گذاری و رشد فردی اعضای خانواده تأثیر بگذارند. در ایران، تحولات اجتماعی و سیاسی پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن باعث تغییرات قابل توجهی در ساختار و عملکرد خانواده ها شد. این مقاله به بررسی این تغییرات و تأثیرات آن بر کرامت انسانی پرداخته و تلاش دارد تا نشان دهد که چگونه الگوهای خانواده در این دو دوره متفاوت می توانند بر حقوق و آزادی های فردی، عزت نفس، و رشد شخصی تأثیر بگذارند. این مقاله با به روش تحلیلی - توصیفی و جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای جستجو در منابع الکترونیکی و مطالعه جزء به جزء مطالب، به صورت فیش برداری از منابع با یکدیگر پرداخته می شود.

کلید واژه ها: الگو، انقلاب، خانواده، رابطه، کرامت انسانی.

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه کوثر فردیس

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به رفتارها، ارزش‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی افراد ایفا می‌کند. این نهاد به‌عنوان پایه‌گذار بسیاری از اصول اخلاقی و انسانی، تأثیرات عمیقی بر رشد و شکوفایی کرامت انسانی دارد. کرامت انسانی، مفهومی است که به احترام به حقوق فردی، ارزش ذاتی انسان‌ها و حفظ حرمت و عزت افراد اشاره دارد. از آنجا که خانواده‌ها به‌عنوان نخستین محیط اجتماعی در زندگی فرد عمل می‌کنند، الگوهای مختلف خانواده می‌توانند به‌طور مستقیم بر کرامت انسانی تأثیر بگذارند.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تغییرات بنیادینی را در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور به وجود آورد. یکی از حوزه‌هایی که بیشترین تغییرات را تجربه کرد، نهاد خانواده بود. قبل از انقلاب، ساختار خانواده در ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های غربی و مدرنیته قرار داشت که به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بر تفکیک نقش‌های جنسیتی و حقوق افراد تأثیرات خاص خود را گذاشت. انقلاب اسلامی با هدف بازتعریف اصول بنیادین خانواده بر مبنای آموزه‌های اسلامی، تلاش کرد تا نهاد خانواده را به‌عنوان محیطی سالم و محترم برای رشد و تعالی انسان‌ها معرفی کند.

بررسی رابطه الگوهای خانواده قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران با کرامت انسانی، به‌ویژه در شرایط اجتماعی و فرهنگی امروز، از اهمیت بسیاری برخوردار است. خانواده‌ها به‌عنوان نخستین محیط اجتماعی انسان‌ها، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت، هویت و نگرش‌های فردی دارند. از این رو، تغییرات در ساختار و نقش‌های خانوادگی می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر کرامت انسانی بگذارد. در ایران، انقلاب اسلامی با هدف بازتعریف اصول اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در حوزه خانواده، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به ارزش‌های انسانی و معنوی ایفا کرد.

ضرورت این تحقیق به‌ویژه در شرایطی که نهاد خانواده در بسیاری از جوامع به چالش کشیده شده و با تغییرات زیادی مواجه است، کاملاً مشهود است. درک چگونگی تأثیر تحولات انقلاب اسلامی بر ساختار خانواده و ارتباط آن با کرامت انسانی، می‌تواند به تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور کمک کرده و به بازتعریف و تقویت ارزش‌های انسانی در عصر حاضر منجر شود. این تحقیق همچنین می‌تواند به سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی کمک

کند تا در طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مربوط به خانواده، به ابعاد انسانی و کرامت افراد توجه بیشتری داشته باشند.

تحقیقاتی پیرامون کرامت انسانی انجام گرفته است. از جمله آن می‌توان "تحولات خانواده در ایران معاصر: از سنت تا پسانوگرایی" به قلم نعمت الله فاضلی، "بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران" نویسندگان سید حسن حسینی و مینا عزیزی و مقاله "کاربرد اصل کرامت انسانی در حقوق خانواده" نویسندگان حسین حبیبی تبار و مهدی شعبانی اشاره کرد.

در پژوهش‌های فوق به تحقیق و پژوهش در مورد الگوی خانواده و کرامت انسانی پرداخته اند، اما درباره کرامت انسانی قبل و بعد از انقلاب قابل توجهی صورت نگرفته است. بنابراین سوال اصلی در این پژوهش این است رابطه الگوهای خانواده قبل و بعد از انقلاب با کرامت انسانی چیست؟

مفهوم شناسی

اولین قدم در هر تحقیق، روشن کردن معنای تحت اللفظی موضوع تحقیق است. بنابراین، قبل از پرداختن به موضوع، در مورد معنای واژگان کرامت و خانواده صحبت خواهیم کرد.

کرامت در لغت

کرامت، بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بزرگی، بزرگواری، جوانمردی و بخشنده‌گی است.^۱ «کرم» اگر وصف خدا قرار گیرد، اسم است برای احسان و نعمتهای ظاهری او و اگر وصف انسان باشد اسم است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از او ظاهر می‌شود.^۲ کرامت، عزت همراه با تفوق و برتری در نفس شیء است، نه برتری طلبی نسبت به دیگری و از آثار آن جود و سخاوت، گذشت و ... می‌باشد و خصوصیات آن به حسب مصادیق و موارد فرق می‌کند.^۳

کرامت در اصطلاح

در اصطلاح علم کلام، کارهای خارق العاده ای که از پیامبران برای اثبات نبوت صادر می

^۱ معین، فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۲۹۲۹.

^۲ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۰۷.

^۳ مصطفوی، التحقيق فی کلمات قرآن، ج ۱۰، ص ۴۶.

گردد با نام معجزه خوانده می شود، و همین گونه کارها از غیر پیامبران، با نام کرامت ذکر می شود. بنابراین کرامت اصطلاحی در گفتار متکلمین به علم کلام، همان معجزه ای است که درباره امور خارق العاده غیر پیامبران، از اولیاء خداوند و امامان (ع) استعمال می شود. چرا که نشانه عظمت و بزرگواری آنها در پیشگاه خداوند است، بر همین اساس امام صادق (ع) فرمود: «معجزه نشانه ای برای خداست که خداوند آن را به کسی جز پیامبران و رسولان و حجّت هایش عطا نمی کند، و هدف از آن این است که به وسیله آن راستگویی راستگو از دروغگویی دروغگو شناخته شود».^۱

امام خمینی بر اساس مبانی فلسفی و عرفانی خود کرامت انسانی را تبیین کرده و کرامت ذاتی انسانی را مقدمه رسیدن انسان به کمالات بالای الهی می داند.^۲ امام خمینی تنها کرامت ذاتی و برتری های ادراکی و عقلی را در مسئله کرامت و انسانیت کافی نمی داند و معیار انسانیت و کرامت را روحانیت نفس و مراعات تقوا می داند.^۳ امام خمینی تاکید دارد که انسان موجودی است که در ذات و جوهر خود دارای کرامتی است که او را از موجودات دیگر متمایز می کند و آن تمایز در این است که انسان دارای نفسی است که از روح الهی در او دمیده شده است.^۴ انسان به حسب ذات خود این استعداد را دارد که این ودیعه الهی را به فعلیت برساند.^۵ از دیدگاه امام خمینی انسان با کرامت خلق شده است و این انسان طبیعی و بالقوه، دارای کرامت صوری و طبیعی است و در او ویژگی هایی وجود دارد که در دیگر حیوانات نیست ولی این امر نیازمند به تربیت صحیح دارد و این تربیت باید از ناحیه وحی و انبیاء صورت گیرد؛ زیرا اطلاع از حقیقت و ابعاد انسان بدون رجوع به وحی ممکن نیست.

به اعتقاد امام خمینی افرادی که برای کرامت انسان حرمتی قائل نیستند و بر ضد بشریت اقدام می کنند، خود حرمتی ندارند و باید با آنان مبارزه کرد، از این رو انبیای الهی بر کافران سخت می گرفتند و با آنان مبارزه می کردند. امام خمینی اموری مانند تکبر، غرور و خودبینی را مانع کرامت و رسیدن دار کرامت می داند.^۶

^۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱.

^۲ خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۸۵.

^۳ همان، آداب الصلاه، ص ۱۵۴.

^۴ همان، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، ص ۴۳.

^۵ همان، شرح چهل حدیث، ص ۲۷۲.

^۶ همان، دانشنامه امام خمینی، ج ۸، ص ۴۲۲.

خانواده در لغت

خانواده از نظر لغت خاندان، اهل خانه، اهل بیت می باشد.^۱

خانواده در اصطلاح

خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می گیرد و با تولید مثل، توسعه می یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام که برنامه ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است.^۲

الگوهای خانواده قبل و بعد از انقلاب با کرامت انسانی

رابطه الگوی خانواده و کرامت انسانی مفهومی پیچیده و چندوجهی است که بر اساس اصول و ارزش های اجتماعی، فرهنگی و دینی شکل می گیرد. در اینجا تلاش می کنیم تا این رابطه را در ابعاد مختلف بررسی کنیم و نشان دهیم که چگونه خانواده می تواند به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش محوری در حفظ و ارتقای کرامت انسانی ایفا کند.

۱. احترام متقابل در خانواده

یکی از مهم ترین اصولی که در یک خانواده سالم و محترم باید رعایت شود، احترام متقابل اعضای خانواده به یکدیگر است. این احترام، هم به شکل کلامی و هم رفتاری باید در تعاملات درون خانواده مشاهده شود. هنگامی که اعضای خانواده یکدیگر را با احترام و ادب درمان کنند، کرامت انسانی یکدیگر را به رسمیت می شناسند. این احترام پایه گذار فرهنگ اخلاقی خانواده و جامعه خواهد بود.

– احترام متقابل در خانواده قبل از انقلاب اسلامی ایران

احترام متقابل در خانواده های ایران قبل از انقلاب اسلامی مفهومی کلیدی و بنیادین بود که تحت تأثیر فرهنگ، دین و سنت های اجتماعی آن زمان قرار داشت. در این دوره، خانواده ها به ویژه در جوامع سنتی، محور اصلی تربیت و پرورش اخلاقی افراد بودند و احترام به بزرگ ترها

^۱ محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۱.

^۲ همان، ص ۱۲.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران تحت حکومت پهلوی قرار داشت. در این دوران، ساختار اجتماعی و خانوادگی تحت تأثیر ارزش‌های غربی و مدرنیسم قرار داشت. در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی، نگاه به‌طور عمده بر اساس ارزش‌های فردگرایانه و سکولاریسم بود. با این حال، در حوزه خانواده و روابط درون‌خانوادگی، علی‌رغم اصلاحات قانون‌گذاری که در دوران پهلوی صورت گرفته بود، مشکلات عمده‌ای در زمینه برابری و عدالت در روابط زنان و مردان وجود داشت.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوران قبل از انقلاب مطرح بود، نابرابری‌های جنسیتی در خانواده‌ها بود. در آن زمان، حقوق زنان در بسیاری از ابعاد، از جمله حقوق قانونی، اقتصادی و اجتماعی، با محدودیت‌های زیادی روبرو بود. برای مثال، زنان در بسیاری از موارد نمی‌توانستند بدون رضایت همسر یا خانواده خود از حقوقی مانند تحصیل، کار، سفر و انتخاب پوشش برخوردار شوند. در این دوران، بسیاری از زنان ایرانی که به‌ویژه در طبقات بالای اجتماعی و شهری زندگی می‌کردند، تحت فشارهای اجتماعی و فرهنگی قرار داشتند که باید نقش‌های سنتی خود را در خانه و خانواده ایفا کنند. در خانواده‌های سنتی، انتظار می‌رفت که زنان عمدتاً نقش‌های مادری و همسری را به‌طور کامل و بدون در نظر گرفتن حقوق فردی خود ایفا کنند.

در این زمان، اصلاحاتی در سیستم حقوقی ایران صورت گرفت که برخی از آن‌ها در راستای بهبود وضعیت حقوقی زنان بود. یکی از این اصلاحات، تصویب «قانون حمایت خانواده» در دهه ۱۹۶۰ بود که برخی از حقوق زنان در خانواده را تقویت می‌کرد. این قانون اجازه داد که زنان در صورت اختلاف با همسران خود، برای طلاق درخواست دهند و همچنین حقوق فرزندان خود را در فرآیندهای حقوقی تضمین کنند. با این حال، علی‌رغم این تغییرات، در عمل، بسیاری از زنان هنوز با تبعیض‌های گسترده‌ای روبرو بودند که در زندگی خانوادگی خود تجربه می‌کردند.^۱

- برابری و عدالت در خانواده بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از ساختارها و قوانین اجتماعی و خانوادگی تغییرات اساسی را تجربه کردند. انقلاب اسلامی با محوریت دین اسلام، به‌ویژه مذهب شیعه، به‌عنوان یک منبع اصلی تشریعی برای تنظیم قوانین و مقررات اجتماعی، عدالت و برابری در خانواده را

^۱ دارایی، جریان شناسی در ایران، ص ۳۷.

به‌طور خاص مورد توجه قرار داد. در این دوران، نهاد خانواده و روابط درون‌خانوادگی بر اساس ارزش‌های اسلامی و دینی، بازتعریف شد.

یکی از مهم‌ترین تغییرات بعد از انقلاب اسلامی، تصویب قوانین جدید مربوط به حقوق زنان و خانواده بر اساس موازین شرعی و دینی بود. در ابتدا، انقلاب اسلامی بر اساس اصول اسلامی که به‌ویژه در قرآن و احادیث آمده، بر نقش و جایگاه ویژه خانواده تأکید داشت و معتقد بود که در این چارچوب، عدالت اجتماعی محقق خواهد شد. بر این اساس، بسیاری از زنان از حقوق جدیدی در زمینه‌های مختلف بهره‌مند شدند، اما در عین حال، بسیاری از قوانین به‌ویژه در زمینه حقوق شخصی و خانوادگی، همچنان به‌طور آشکار به نفع مردان تنظیم شد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد تغییرات در دوران پس از انقلاب، تغییرات در قانون احوال شخصیه و روابط زناشویی بود. بر اساس فقه اسلامی، قانون‌های جدیدی در زمینه ازدواج، طلاق، حضانت فرزند و ارث تنظیم شد. در این قوانین، سهم مردان در بسیاری از موارد بیشتر از زنان بود. برای مثال، در قانون جدید، طلاق برای مردان آسان‌تر از زنان بود و زنان تنها در شرایط خاص می‌توانستند درخواست طلاق دهند. علاوه بر این، حقوق اقتصادی زنان، از جمله سهم ارث، همچنان تحت تأثیر قوانین اسلامی قرار داشت که در بسیاری از موارد ناعادلانه به نظر می‌رسید.

با وجود این، انقلاب اسلامی ایران تلاش کرد که برابری و عدالت را در سطح معنوی و اخلاقی در خانواده‌های ایرانی تقویت کند. تأکید بر تکریم خانواده به‌عنوان واحد اصلی جامعه، حفظ کرامت زن و مرد در راستای اصول اسلامی، و کاهش آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق و فساد اخلاقی، از جمله اهداف این دوران بود. در عین حال، مسائل و چالش‌های جدیدی به‌وجود آمد که برخی از آن‌ها مرتبط با تعارض میان تحولات دنیای مدرن و اصول شرعی بود.^۱

نتیجه‌گیری

الگوهای خانواده در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، تأثیرات مهمی بر مفهوم کرامت انسانی در جامعه ایرانی داشتند. در دوره قبل از انقلاب، علی‌رغم تلاش‌هایی که برای اصلاحات قانونی و مدرن‌سازی صورت گرفت، الگوهای خانوادگی بیشتر تحت تأثیر سنت‌های

^۱ دانشیار، بررسی دوره موسوم به اصلاحات در نظام سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ص ۲۱۵.

فرهنگی و همچنین سیاست‌های غرب‌گرایانه قرار داشتند که به‌ویژه در زمینه حقوق زنان، نابرابری‌های چشم‌گیری وجود داشت. این نابرابری‌ها در بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه در طبقات سنتی و مذهبی، باعث می‌شد که زنان و حتی برخی مردان نتوانند به‌طور کامل کرامت انسانی خود را تجربه کنند. در واقع، در این دوره، خانواده‌ها بیشتر به‌عنوان واحدهایی با نقش‌های از پیش تعیین‌شده و مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی عمل می‌کردند که به‌طور غیرمستقیم، کرامت فردی افراد را کاهش می‌داد.

اما پس از انقلاب اسلامی، با بازتعریف اصول اسلامی در زمینه خانواده، تلاش‌هایی برای احقاق کرامت انسانی در خانواده‌ها صورت گرفت. انقلاب اسلامی که به‌ویژه با تأکید بر جایگاه زنان و مردان در خانواده و جامعه انجام شد، به‌دنبال ایجاد برابری و عدالت بیشتر در این نهاد اجتماعی بود. زنان در دوره پس از انقلاب با تغییرات مثبت در برخی زمینه‌ها مانند تحصیل و مشارکت اجتماعی، توانستند کرامت انسانی خود را به‌ویژه در عرصه‌های عمومی به‌طور مؤثری تقویت کنند. با این حال، برخی قوانین جدید که در چارچوب فقه اسلامی تدوین شده بودند، همچنان نابرابری‌هایی را در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در مسائل ارث، طلاق و حضانت حفظ کردند که در برخی موارد مانع از تحقق کامل کرامت انسانی زنان می‌شد.

در نهایت، این نتیجه حاصل می‌شود که الگوهای خانواده در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کرامت انسانی افراد تأثیر داشته‌اند. در دوران پیش از انقلاب، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی خانواده مانع از تحقق کامل کرامت انسانی در بسیاری از موارد می‌شدند. در دوران پس از انقلاب نیز، با وجود تلاش‌های قابل توجه برای حفظ کرامت انسانی، همچنان برخی موانع قانونی و فرهنگی وجود دارند که بر برابری جنسیتی و حقوق افراد تأثیر می‌گذارند. بنابراین، دستیابی به کرامت انسانی کامل در خانواده نیازمند اصلاحات عمیق‌تر در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و قانونی است که به‌طور همزمان حقوق و آزادی‌های فردی همه اعضای خانواده را تأمین کند.

فهرست منابع

۱. بشیریه، حسین، دیباچه ای بر جامعه شناسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۴ ه.ش.
۲. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴. _____، آداب الصلاه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ ه.ش.
۵. _____، تقریرات فلسفه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ ه.ش.
۶. _____، شرح چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ ه.ش.
۷. _____، دانشنامه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰ ه.ش.
۸. دارایی، علی، جریان شناسی در ایران، تهران: پژوهشگاه اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ ه.ش.
۹. دانشیار، علیرضا، "بررسی دوره موسوم به اصلاحات در نظام سیاسی ایران"، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۱. شرفی، محمدرضا، خانواده متعادل، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۲. صادقی فسائی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان، "تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی"، زن در فرهنگ و هنر، شماره ۱، ۱۳۹۲ ه.ش.
۱۳. عرب زاده، محمدحسین، "شاخص های کرامت انسانی در الگوی پیشرفت اسلامی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۴. قبار زاده، ناصر، روایت آسیب شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ ه.ش.

۱۵. کچویان، حسین، تطورات گفتمان های هویتی ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۷. محمدی، علیرضا، انقلاب نسل ها: انقلاب اسلامی و مواجهه با نسل سوم، پگاه حوزه، شماره ۲۰۷، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دارالکتب اسلامی، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: بهزاد، ۱۳۹۰ ه.ش.